

پیوند راز آمیز فرهنگ اورال کهن با ایران

دکتر سوتلانا کامینوا

دانشگاه پرم ، روسیه

همه ی تیره های کهن که در بخش میان اروپا و آسیا زندگی سیار و آواره داشتند، از نظر هنری دارای سنت های هم مانندی بودند که بآن «هنر سبک حیوانی» میگفتند، معمولاً «سبک حیوانی» به سبکی گفته می شود که روی اشیاء فلزی، تصاویر حیوانات به تنهایی یا همراه با تصویر انسان قالب ریزی شده باشد . این سبک بر پایه روشی گذاشته شده که در آن جانوران و پرندگان به نمایش گذاشته می شوند و برخی از سیماهای مشخص و با صفات ویژه آنها، مانند پنجه ها، منقار و یا شاخ حیوانات را بگونه ی اغراق آمیزی برجسته تر و قابل دیدن نشان میدهند. بیشتر اشیاء هنری «سبک حیوانی» که در روسیه پیدا شده، در کوههای اورال، در منطقه ای میان رودخانه های ولگا و «کاما» بوده و یافتن آنها در این نقطه بما پروا میدهد که همه ی جوانب آنرا دریابیم.

اشیاء هنری «سبک حیوانی» که در «پرم» روسیه کشف شده، مربوط به زمانهای بسیار دور یعنی نزدیک به هزارسال پیش از میلاد و زمانی بوده که نواحی شمال «کاما» تقریباً در انزوا بسر میبرد.

ضوابط بنیادی و رسوم و عادات این منطقه را، محیط طبیعی، نحوه فعالیت

ایران زمین

مردم و ساختار اجتماعی آنها بوجود آورده و تا آمدن کلنی های روسی باین منطقه، در سده ۱۷ میلادی، دست نخورده باقی مانده بود. یکی از معماها و در نتیجه، سردرگمی ما در برخورد با «سبک حیوانی» هنر در پرم که تاکنون هم هیچگونه روشنگری در باره آن نشده را در اینجا گزارش میکنیم.

در منطقه شمالی پرم بیش از ۶۰ گنجینه نهفته، از اشیاء نقره ای ایرانیان – بیزانتین ها و نیز آسیای مرکزی بدست آمده. این یافته ها نه تنها گواهی بر پیوند بازرگانی بلکه گواهی بر پیوندهای فرهنگی و هنری نیز دارد و نشان میدهد که با وجود دوری راه میان آنها، چگونه پیوند بازرگانی و فرهنگی آنها را بهم نزدیک کرده است.

باستان شناسان ثابت کرده اند که بشقابهای نقره ای مربوط به «مکتب تفکر ایرانی» و فرهنگ دینی آنها در سده ششم و هفتم میلادی تا سده نوزدهم در نقاط مختلف این ناحیه بوسیله انبوه مردم محلی بکار میرفته. بشقابهای ایرانی دوره ی ساسانیان در سال ۱۹۶۷ در دهکده بولشایا – آنیگوسکایا در رودخانه ویشرا در منطقه پرم یافت شده پیش از این هم ۷ بشقاب ایرانی در این منطقه پیدا شده بود. در پرم بشقابی کسف شده با نقش و خطهایی که شمن ها در سده ی نهم و دهم در دو روی آن حک کرده اند. روی بشقابها پیکر جاندارانی مانند ماهی و پرندگان و نیز خورشید و شمن ها با ماسک دیده میشود.

رویهم در بخش کوچکی از شمال منطقه پرم بیش از ۲۰۰ بشقاب نقره ای از سده هفتم میلادی یافت شده است. چنین انبوهی از هنرهای ایرانی در جاهای دیگر روسیه یافت نشده. اینجا آنچه که معما باقی میماند این است که چرا چنین چیزهایی که دارای سیمای دینی است و مربوط به ایران و دین زرتشتی در زمان ساسانی است با این انبوه به کشوری که اصولاً با فرهنگ ایرانی

ایران زمین

بیگانه بنظر میآید، فرستاده شده است. برخی از پژوهشگران میگویند فرهنگ ساکنان محلی با فرهنگ ایرانی بیگانه نبوده و آنها هم زرتشتی بوده اند. برخی دیگر منکر این مطلب بوده و فرضیه دیگری را ارائه میکنند که بکلی شگفت انگیز است. اینها کوشش میکنند که تاریخ گزاری بشقابها را بمیان بکشند و بگویند که دودمان پادشاهی ساسانیان نخستین دودمان زرتشتی و ایرانی هستند و هنگام تازش تازیان بایران و شکست ایرانیان، بخشی از زرتشتیان که برای رهایی خود و سنت های دینی به هندوستان رفتند، بخش دیگری هم به شمال مهاجرت کردند و کوشش نمودند که در شمال - میهن مادری - خود پناه جویند. اگر این فرضیه را به پذیریم، این پرسش پیش می آید که اکنون «پارسیهای» شمالی کجا هستند؟ متأسفانه هیچگونه منبع نوشتارهای در باره ی ساکنین محلی اورال تا سده دهم میلادی را در دست نداریم. در این زمان است که بازرگانانی از «نوکورْد» باین سرزمین آمدند و در سده ۱۲ نیز یک سیاح بلند آوازه ی عرب بنام القرنتی - ابو - حمید - به اورال یا کشور ویسو آمد و گزارشی فراهم نمود که در دست است و با اینکه در گزارش او نادرستیها و داستانهای افسانه مانندی دیده می شود، با اینهمه گزارش گسترده ای را ساکنان محلی این منطقه بدست میدهد که بسیار جالب است

با اطلاعات بسیار کمی که در باره این سرزمین در سده های دهم و دوازدهم داریم پرسشی که بآن پاسخ داده نشده این است که چرا شمن های این محل، برای آئین های خود بجای بشقابهای ایرانی، از بشقابها و کمانهای بیزانتینی و یا بلغاری که نیز نقره ای و حتی زر اندود بوده بکار نمی بردند. موضوع شگفت انگیز تر اینکه این بشقابهای ایرانی از دوره ساسانیان نه تنها در اورال پیدا شده بلکه همین گونه اکتشافات در میان تیره های هرپ ها در تبت نیز

ایران زمین

دیده شده است _ در پایان سده ی ۱۹ و آغاز سده ۲۰ دو هیئت اعزامی روسی یکی به سرپرستی ژنرال کوزلوف و دیگری پس از او به سرپرستی نیکلاس روریخ در تبت چند شیئی «سبک حیوانی» یافتند. در میان آنچه که ژنرال کوزلوف در کوههای نواین اورال یافت سگکهای (قلاب) برونزی با کندکاری برجسته دیده می شود که پیکر سر گاوی که بهائین خم شده، نشان میدهد.

پس از گزارش هیئت های اعزامی به تبت پرسی وال یتز در باره ی تشابه شگفت انگیز این سگکها با یکی از اشیای «سبک حیوانی» که در پرم دیده شده مقاله ای برشته تحریر آورده است. زیور و آرایش این سگکها با آنچه که در بشقابهای فلزی دوره ساسانی که در بخش بالائی رودخانه «کاما» دیده شده است شبیه بود. متأسفانه در گزارش هیئت اعزامی به تبت ذکر نشده است آیا این سگکها در اصل از ایران آورده شده یا اینکه در محل بوسیله ساکنین ساخته شده است.

موضوع دیگری که عمومیت فرهنگ ساکنین اورال و تبت را نشان میدهد، مجسمه های کوچک برونزی و مسی به «سبک حیوانی» است که برای زینت در سده ۲۰ روی کیسه های چرمی ، جای سنگ های آتش زنه (چخماق) دوخته و بکار میبردند.

در اینجا بسیاری پرسشهای دیگر بازمانده تا پژوهشگران به راز آن پی برند و بما پاسخ دهند که از آنها بسیار سپاسگزاریم .

برگردان از انگلیسی : مرکز پژوهش و گسترش فرهنگ و آیین باستانی ایران